

جایگاه تشبیه تمثیلی در قرآن کریم (مطالعه موردی: تشبیهات تمثیلی در موضوع انفاق)

* عبدالرحیم زارعیان جهرمی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۶

** صفدر شاکر

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۹

*** ابراهیم زارعی فر

چکیده

از ابزارهای مهمی که می‌توان به وسیله آن، مفاهیم و مطالب را دقیق‌تر و سریع‌تر به اذهان مردم منتقل نمود، استفاده از ضرب المثل، تشبیه، تمثیل و غیره است. قرآن کریم در راستای بیان پیام‌های هدایتی در قالبی بلاغی و مفهومی، از ابزارهایی همچون استفاده از مثال و تشبیه تمثیلی بهره برده است. یکی از بهترین روش‌هایی که قرآن می‌تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای مردم تبیین نماید، تشبیه و تمثیل است؛ چراکه به وسیله تشبیه و تمثیل، واقعیت‌ها با زبانی ساده و روان به ذهن متبادر می‌گردد. در قرآن مجید حدود ۵۰۰ آیه وجود دارد که دارای تشبیه، تمثیل، کنایه، مجاز و تشبیه تمثیلی می‌باشد. این مقاله در صدد است با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، پس از تبیین مفهوم تشبیه تمثیلی و کارکرد قرآنی آن، تشبیهات تمثیلی قرآن کریم در مقوله انفاق را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

کلیدواژگان: مفهوم شناسی، بلاغت، تشبیه تمثیلی، انفاق، اعجاز بیانی.

* دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی فسا، رشته الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث.

a.zareian1340@gmail.com

yaserak1099@yahoo.com

zareifar@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی فسا، رشته زبان و ادبیات عرب.

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی فسا، رشته زبان و ادبیات عرب.

نویسنده مسئول: صفدر شاکر

مقدمه

آیات قرآن کریم دارای نثری موزون و نظم‌ی منسجم و محتوایی مملو از بهترین امثال و محکم‌ترین تشبیهات است. یکی از بهترین روش‌هایی که قرآن می‌تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای مردم تبیین نماید، تشبیه و تمثیل است؛ چراکه به وسیله تشبیه و تمثیل، واقعیت‌ها با زبانی ساده و روان به ذهن متبادر می‌گردد. اعجاز بلاغی قرآن مبتنی بر شیوه بیانی خاصی است که در آیات به کار رفته است. یکی از شیوه‌های قرآن برای پیام‌رسانی، استفاده از تشبیه و تمثیل است. تشبیه در قرآن تنها یک آرایش کلامی و زیبایی لفظی نیست که هدف از آن تنها ایجاد مشابهت میان اشیا باشد، بلکه قرآن به کمک تشبیه، روح و حیات و نشاط به کالبد الفاظ می‌دمد و معانی ذهنی مسائل عقلی و نامحسوس را با مثل‌های گوناگون، برای مخاطبان، محسوس و قابل فهم کرده و در قالب تصاویری بدیع به نمایش می‌گذارد (نصیری، ۱۳۹۲: ۴۰).

در تشبیه تمثیلی، هیأتی متشکل از چند جزء که غالباً در بر دارند معنایی ماورایی و انتزاعی است، به هیأتی متشکل از چند جزء که غالباً مشتمل بر تصویر و مفهومی حسی است، تشبیه می‌گردد و حاصل این شباهت، مفهومی کلی و متشکل از چند جزء است که آن را وجه شبه می‌نامند. آنچه که تشبیه تمثیلی را جزء جداناپذیر ادبیات قرآنی کرده است، تفهیم بهتر معانی و اثرگذاری طولانی مدت مفاهیمی است که به وسیله این تشبیهات تمثیلی ارائه شده‌اند؛ چراکه این شیوه‌های بیانی، خشکی و تندی پند و اندرز را می‌کاهند، خاطرات را لذت‌بخش می‌کنند، اندیشه‌های ژرف را در جملاتی کوتاه جای می‌دهند و در پرده‌ای از اشاره و کنایه که کارآمدتر از صراحت است، مطالب عالی و پرمغز را تعلیم می‌دهند (فارسی و مؤمنی، ۱۳۹۵: ۷۲).

این مقاله در صدد است با تحقیق و تفحص در منابع علوم قرآنی و بررسی آیات قرآن از نظر بلاغی این پرسش‌ها پاسخ گوید که چه اهدافی برای بیان تشبیهات و تمثیل‌ها در قرآن می‌توان حدس زد؟ آیا تشبیه تمثیلی فقط در امور مادی و محسوس معنا دارد و یا تشبیه تمثیلی در امور معقول و انتزاعی نیز مطرح است؟ هدف خداوند از بیان تشبیه تمثیلی چیست؟ آیا هدف تنها تحقیر، تحریف، تشویق، تخویف (خوف) است و یا غیر آن نیز در این میان مطرح است؟ تشبیه تمثیلی در مقوله انفاق چگونه است؟

سابقه تشبیه و تمثیل در قرآن و بحث پیرامون آن از زمان ظهور معتزله، به عنوان یک موضوع جدی بر سر راه مفسرین قرار گرفت. به عنوان مثال در تفسیر آیه ﴿بِذَلِكَ فُتِنَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْبَنَاتَ حِجَابًا وَحِجَابَ اللَّهِ عَنَّا﴾: دست خدا بالای همه دست‌ها است، این سؤال مطرح گردید که دست خدا در آیه مذکور به چه معنایی است؟

اگر دست به معنای ظاهری‌اش باشد، برای خداوند جسمانیت متصور می‌گردد که این امر برای خداوند محال است و اگر منظور از ید، غیر جسمانی باشد، به چه معنا و مرادی است؟ پس از بحث و گفت‌وگوهای بسیار در این زمینه این نتیجه حاصل گردید که احتمالاً ید در اینجا به معنی قدرت، توان، خداوند است؛ چون که دست سبب قدرت و توانایی بر انجام کار است.

پیشینه بحث

در تفاسیر شیعه مانند تفسیر «التبیان» شیخ طوسی، «مجمع البیان» شیخ طبرسی، تفسیر «المیزان» و یا تفسیر «تسنیم» آیه الله جوادی آملی و منابع اهل سنت مانند «الإتقان» جلال الدین سیوطی، «کشف الأسرار»، «تفسیر کشاف» و... بحث‌هایی پیرامون تشبیهات و تمثیلات داریم؛ اما باید توجه داشت در هیچ یک از منابع مذکور به صورت مستقل، موضوع جایگاه تشبیه و تمثیل مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین باید گفت آثار مستقلی پیرامون تشبیه تمثیلی در قرآن کریم نگارش یافته است که از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله «کارکردها و ویژگی‌های صنعت بلاغی تشبیه تمثیلی در قرآن کریم» نوشته روح الله نصیری اشاره نمود. این پژوهش فارغ از موارد بیان شده در صدر است به صورت اختصاصی به جایگاه تشبیه تمثیلی در قرآن کریم با ذکر مثال‌هایی بپردازد که در نوع خود پژوهشی نوین در حوزه علوم قرآنی است.

مفهوم‌شناسی تشبیه تمثیلی

«تشبیه در لغت به معنای همانند ساختن و مثال آوردن است و در اصطلاح، قرار دادن همانندی بین دو یا چند چیز که آنان در یک یا چند صفت مشترک باشند. به عبارتی تشبیه، یادآوری شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود

دارد» (الهاشمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۲). ریشه تمثیل را در دو محور می‌توان جست‌وجو کرد: ۱. مَثَل ۲. مِثْل. مَثَل: چیزی که شنونده یا خواننده را متوجه امر دیگر کند و آن را در نظر او معین و مشخص می‌کند.

﴿لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السُّوءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (النحل / ۶۰)

«کسانی که به روز قیامت ایمان ندارند و اعمالشان مانند زنده به گور کردن دختران صفت زشت برای آنهاست و اما برای خداوند عالی‌ترین صفت است که هیچ چیز از قلمرو او خارج نیست و او قادر بر همه چیز است و او عزیز و حکیم است»

مِثْل «در فرهنگ فارسی به معنای، مانند، نظیر، حکایت، عبرت، پند و اندرز» (معین، ۱۳۷۱ ش، ج ۳: ۳۸۵۷). مِثْل «در لغتنامه دهخدا به معنای داستان، قصه، افسانه، سال، نمون، نمودار آمده است» (دهخدا، ۱۳۶۱، ج ۲۳: ۱۱۹).

میان دانشمندان علم اللغه در ریشه واژه تمثیل اختلاف نظر وجود ندارد. همه آنان تمثیل را اغلب از ریشه مَثَل و مِثْل به معنای شبیه و شبه در زبان‌های سامی و عربی قدیم می‌دانند (کمالی بانیانی و خزاعی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

تمثیل: از نظر لغوی به معنای توصیف کردن، توضیح دادن چیزی را که شبیه چیز دیگر است. تمثیل از نظر اصطلاحی: آن است که متکلم بخواهد معنایی را به کسانی بفهماند که با لفظ خاص اشاره الفاظ مترادف و با توضیحات امکان آن نمی‌باشد. لذا قرآن با تمثیل و مثل زدن و تشبیه یک چیز یا چند چیز به یک چیز یا چند چیز دیگر که دارای وجه شبه مشترک هستند اغراض خود را بیان می‌نماید. قرآن نیز از این روش زیاد استفاده نموده است. مثال:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ﴾ (البقرة/ ۲۶۱)

«مثل کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند شبیه کاری کسی است که یک دانه گندم زیر خاک نمایند که از آن هفت خوشه و از هر خوشه صد دانه می‌روید»

پس تمثیل مانند شیرین زبان و نصیحت کننده‌ای مهربان است که مرم را با بیانی ساده، دلچسب و ملایم را به پیروی از خلقی نیکو و رها نمودن از افعال و اعمال زشت دعوت می‌کند و اعمال و افکار انسان‌ها را به بهترین روش منور می‌گردد. شبیه تمثیلی وصف کردن چیزی به چیزهای مشابه است که در یک یا چند صف با هم مشترک هستند و در بین آن‌ها وجه شبه وجود دارد. مثال:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ اَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ

كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (الجمعة/۴)

در این آیه خداوند یهودیانی را که به تورات عمل نمی‌کنند و فقط بار آن بر عهده گرفته‌اند، به چارپایی تشبیه می‌کند که بار می‌برند و نمی‌دانند چه چیز حمل می‌کنند.

تشبیه تمثیلی و ارتباط آن با تمثیل

«تشبیه تمثیلی از خود تمثیل رساتر است؛ زیرا وجه شبه آن دارای تفضیلی است که نیاز به تفکر و ژرف نگری بیش‌تری دارد. به بیانی دیگر، تشبیه تمثیلی در معنا گستره وسیع‌تری دارد که ارزش معانی آن را بالا می‌برد و قدرت معانی را در تحریک و برداشت انسان چندین برابر می‌سازد.» اگر تمثیل ستایش باشد، تشبیه تمثیلی دلپذیرتر و اگر نکوهش باشد، تشبیه تمثیلی درد خیزتر و اگر تمثیل برهان دلیل باشد، تشبیه تمثیلی روشن‌تر است» (الهاشمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۳).

ارتباط تشبیه تمثیلی با تشبیه

تشبیه تمثیلی در معنای عام مترادف با تشبیه است و هر معنایی که از تشبیه اراده شود، از تشبیه تمثیلی نیز اراده می‌گردد؛ به عبارتی در معنای عام بین تشبیه و تشبیه تمثیلی، نسبت تساوی برقرار است. همچنین بین تشبیه تمثیلی و تشبیه، ارتباط عموم و خصوص مطلق برقرار می‌باشد؛ یعنی هر تشبیه تمثیلی تشبیه نیز می‌باشد ولی هر تشبیه‌ی، تشبیه تمثیلی نمی‌باشد.

به عنوان مثال، تشبیه تمثیلی، تشبیه‌ی با هیأتی اخذ شده از چند امر است. مثلاً در آیه ﴿اعْمَلُوا إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ﴾ (البقرة/۱۷)، خداوند وضع دنیا و از میان رفتن نعمت

آن و اندک بودن سود لذا یزد دنیوی را به گیاهی تشبیه می‌کند که سرسبزی‌اش نگاه‌ها را خیره می‌کند؛ ولی ناگهان از سرسبزی زرد می‌گردد.

انواع تشبیه تمثیلی در قرآن

تشبیه تمثیل در قرآن بر دو نوع است:

نوع اول: تشبیه تمثیلی که در آن ادات تشبیه آشکار آمده است. مانند آیه:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا الثَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ (الجمعة/۵)

«مثل کسانی که مکلف به تورات شدند اما آن را عمل نکردند و حق آن را ادا نکردند مانند الاغی هستند که کتاب‌هایی را حمل می‌کند ولی چیزی از آن نمی‌فهمند»

در این آیه شریفه، ادات شرط به صورت آشکار آمده است و مشبه، مکلفین به تورات هستند و مشبه به چارپایی است که کتاب‌های سودمندی حمل می‌کند ولی از آن بهره نمی‌برد. کاف ادات تشبیه است و وجه شبه، رنج حمل آن است، در حالی که سودی از آن نمی‌برند.

نوع دوم: تشبیه تمثیلی که ادات تشبیه در آن آشکار نباشد. مثلاً «اراک تقدم رجلا و تؤخر اخری» تو را می‌بینم که یک قدم جلو می‌آیی و یک قدم به عقب بر می‌گردی و تردید دارد کاری انجام بدهد یا انجام ندهد. در اینجا ادات تشبیه حذف شده است و در اصل این جمله چنین بوده است: «اراک فی تردد کمثل من یقدم رجلا مرة ثم یؤخرها مره اخری» (الهاشمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۵)

تشبیه تمثیلی از نظر جایگاه و کاربرد آن بر دو نوع است:

۱- اینکه تشبیه تمثیل در ابتدای کلام و جمله باشد. مثالی در این زمینه، آیه چهارم سوره مبارکه «الجمعة» است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا الثَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ در اینجا آغاز کلام و سخن آمده و در این قیاس روشنگری و برهانی همراه کلام آمده است.

۲- تشبیه تمثیلی که پس از پایان یافتن معانی برای روشن ساختن و جایگزین معانی می‌آید. این تمثیل تشبیه برهانی است که با آن ادعا اثبات می‌گردد. مانند:

«وما المال والأهلون الا وديعة
ولا بد يوما ان ترد الودائع»
(همان، ج ۱: ۴۴)

- مال و افراد خانواده امانت‌هایی بیش نیستند و ناگزیر امانت‌ها روزی پس داده می‌شوند

در این بیت، مانند مورد نخست، تمثیل در آغاز کلام آمده است و با تشبیه و ادعا همراه است. اما در این بیت:

«لا ينزل المجد الا في منازلنا
كالنوم ليس له ماوى سوى المقل»
(طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳: ۱۳۸)

- بزرگواری فرود نمی‌آید، مگر در خانه‌های ما مانند خواب که جایی در میان چشم‌ها ندارد

در این بیت، تمثیل در پایان سخن آمده است و چون برهانی، ادعا را اثبات می‌کند (همان).

تمثیل در مورد انفاق

یکی از بزرگ‌ترین اموری که اسلام آن را در دو رکن حق الناس و حق الله مورد بحث قرار داده، انفاق است و اسلام به صورت‌های گوناگون تلاش کرده که مردم را بدان وادار سازد. اسلام سعی بر این دارد که از راه‌های مختلف جامعه را هم‌سطح نماید و مشکلات مالی و اقتصادی مسلمین را به وسیله کمک به یکدیگر، مرتفع ساخته و بدین طریق فاصله طبقاتی جامعه را برطرف سازد و سطح زندگی افرادی را که در طبقه پایین هستند، با این روش‌ها مرتفع نماید. در این راستا، فرمان به انفاق در قرآن کریم در بسیاری از موارد، در کنار فرمان‌های مهمی مانند نماز عنوان شده است. به عنوان مثال، در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (الحديد/۷)

آیات مرتبط با انفاق در قرآن کریم، به صورت تمثیل‌های زیبا و متنوع در سه قالب بیان گردیده است: ۱- تمثیل انفاق فی سبیل الله ۲- تمثیل انفاق ریاکارانه (انفاق منفی) ۳- تمثیل انفاق اعتدال‌گرایانه

الف. انفاق در راه خداوند (انفاق مثبت)

نوع نخست انفاق که در واقع همان انفاق مثبت فی سبیل الله است، در آیه ۲۶۱ بقره، در قالب تشبیهی زیبا اینگونه بیان گردیده است:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (البقرة/۲۶۱)

«مثل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست»

ارکان تشبیه آیه عبارت است از:

مشبه: انفاق کنندگان اموال

مشبه به: کشاورزی که دانه گندم می‌کارد

وجه شبه: چند برابر شدن و مضاعف شدن اموال و دانه‌ها

ادات تشبیه: کمثل

هدف و غرض این تشبیه، تشویق و ترغیب مردم برای انجام انفاق و بیان اهمیت آن است.

در تفسیر «المیزان»، ذیل آیه شریفه بیان شده است که انفاق باید برای خدا باشد نه برای مردم؛ در مرتبه دوم کیفیت آن را شرح می‌دهد که باید بدون منت و اذیت و آزار باشد؛ در مرتبه سوم مال مورد انفاق را وصف می‌کند که باید از اموال خوب و پاکیزه باشد؛ در مرتبه چهارم در مورد شخصی انفاق می‌شود که باید فقیری باشد که در راه خدا به سختی افتاده است؛ در مرتبه پنجم اجر بزرگی است که در دنیا و آخرت به او داده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲: ۵۳۷).

ب. آیه ۲۶۴ بقره، انفاق ریاکارانه (منفی)

در مقابل انفاق از روی اخلاص، انفاق ریاکارانه قرار دارد که در ادامه آیات سوره بقره به آن اشاره رفته است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارا می‌است که بر روی آن، خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [=ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند»

ارکان تشبیه در این آیه شریفه عبارت است از:

مشبه: فعل و عمل (انفاق) با منت و اذیت و آزار، انفاق با منت گذاری
مشبه به: سنگ صاف که لایه نازک خاک دارد و بر آن کشت شده است.
وجه شبه: بی نتیجه و بی فایده بودن آن کار و کشت، زیرا با اندکی باران آن کشت شسته و از بین می‌رود
ادات تشبیه: «ک» در «کالذی»

در تفسیر «مجمع البیان» آمده است که در این آیه فعل و عمل منافق و منت گذار به سنگ صاف تشبیه شده است. سنگی که باران آنچه بر روی آن بوده از بین برده است و هیچ کس نمی‌تواند بار دیگر آن گرد و خاک را برگرداند. همچنین، وقتی شخصی صدقه را پرداخت کرد و همراه آن منت گذارد؛ پس صدقه خود را به صورتی در آورده که همه فواید و آثار صدقه را نابود نموده و دیگر راهی برای بازگرداندن آن فایده‌ها نیست؛ زیرا هر کاری به همان نسبت که انجام شد، سزاوار پاداش و یا کیفر می‌باشد و اگر به هنگام انجام کاری نیت، برای رضای خدا نباشد و برای غرض‌های دیگری انجام یابد، دیگر راهی برای تلافی و جبران کردن آن کار نیست» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳: ۱۴۵). از این آیه استفاده می‌شود که پذیرش اعمال، منوط به نیت خالص است و شیعه و سنی از پیامبران نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: «انما الأعمال بالنیات». «گاهی انسان گامی

برای خدا برمی‌دارد و کاری را به نیکی شروع می‌کند؛ ولی به خاطر عوارضی از قبیل غرور یا منت یا توقع و یا امثال آن ارزش کار از بین می‌رود؛ پس با منت اثر انفاق از بین می‌رود؛ چون هدف از انفاق تطهیر روح از بخل است؛ ولی نتیجه منت، آلوده شدن روح است. بنابراین چنین انفاقی پذیرفتنی نیست؛ چون شرط قبولی انفاق ایمان و اخلاص است؛ لذا مثل این اشخاص انفاق ادعایی و زبانی، به مانند قطعه سنگی صاف است که لایه‌ای خاک بر آن نشسته است و بر این خاک ظاهراً بارور، بذری افشاندۀ‌اند و آنگاه دانه‌های درشت باران آن خاک‌ها و بذرها را می‌شوید و از بین می‌برد. در جایی باران نعمت و حیات بخش است و کشتزارها را بارور می‌سازد؛ ولی در اینجا باران کشت و کاشته‌ها را نابود می‌سازد. لذا آیات الهی باران برای مؤمنان موجب برکت و برای کافران و منافقان موجب رسوایی و گمراهی است.

در تفسیر «جلالین» ذیل آیه ۲۶۴ آمده است: «مثل کسانی که (منافق) مالش را برای خودنمایی بر مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز قیامت و پاداش از طرف خداوند اعتقاد و ایمان ندارد) مانند تخته سنگی صاف است که بر روی آن خاکی باشد و بذری بر آن بکارند پس باران تند و سنگینی بیارد و آن سنگ را صاف نماید و بشوید و خاکی بر آن نماند. پس ریاکاران بر انفاقی که کرده‌اند ثوابی در آخرت نمی‌یابند چون پاداش خود با منت و آزار و اذیت فرد در این دنیا گرفته‌اند. همچنان که بر آن سنگ صاف چیزی از خاکی که بر آن سنگ بود پیدا نشود چون باران آن را برده است» (محلّی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۴-۴۵).

ج. انفاق فی سبیل الله (مثبت)

از دیگر تشبیهات مربوط به انفاق مثبت، آیه ۲۶۵ سوره بقره است:

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكْهُهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

«و مثل (صدقات) کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد (که اگر) رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد،

و اگر رگباری هم بر آن نرسد، بارانِ ریزی (برای آن بس است)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست»

این آیه به انفاق مثبت با زیباترین مثال‌ها اشاره دارد؛ بر خلاف آیه ۲۶۴ بقره که پیرامون انفاق منفی یا جلوه‌های ناپسند و انفاق ریائی و آزار دهنده بود؛ در اینجا اهداف انفاق‌کنندگان عبارت است از:

۱- ابتغاء مرضات الله: انفاق تنها برای طلب رضای حق است؛ نه برای ریا و خودنمایی و یا قصد اذیت و آزار دیگران «تثبیتاً من انفسهم»

۲- نیت و انگیزه انفاق‌کنندگان در این آیه شریفه، رشد کمالات نفسانی و ملکات روحانی است: «تثبیتاً من انفسهم» یعنی ایشان به منظور کسب ثمرات و کمالاتی چون ایثار، فداکاری و نوع دوستی انفاق می‌کنند.

ارکان تشبیه در این آیه عبارت است از:

مشبه: انفاق اموال برای رضای خدا

مشبه به: باغی که تپه‌ای قرار دارد که اگر باران اندکی به آن برسد.

وجه شبه: دو چندان شدن پاداش اعمال و محصولات

ادات تشبیه: کمثل

در «مجمع البیان» در تفسیر آیه بیان شده چند قول آمده است:

۱- برای ثابت نگه داشتن خود به نیروی یقین و بینش بیش‌تر (از سعید بن جبیر،

سده، شعبی)

۲- استواری خود در اینکه صدقات را در چه مواردی صرف کند (از حسن و مجاهد)

۳- برای آرامش روح خود بر پایداری و ثبوت در اطاعت امر خدا (از ابی علی جبائی)

(طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳: ۱۵۰)

در تفسیر «کشاف» آمده است «و تثبیتنا من انفسهم» یعنی افراد با بخشش مال استواری خویش بر ایمان را به ثبوت برسانند. بخشش مال از عبادت‌های دشوار است و حتی از ایمان آوردن بر نفس آدمی دشوارتر می‌آید؛ وقتی انسان مال خود را که نفسش آن را می‌خواهد، انفاق می‌کند، آن را بر ایمان و یقین خود می‌افزاید (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۸۱). لذا انفاق باید فقط «بتغاء مرضات الله» یعنی تنها برای طلب رضای حق

باشد، نه اینکه برای ریا و خودنمایی و یا قصد آزار و اذیت و منت و نیز نه به قصد رفتن به بهشت و نه از ترس جهنم باشد.

د. آیه ۲۹ سوره اسراء در مورد فرد بخیل و خسیس - انفاق اعتدال گرایه

نوع سوم از انفاق، انفاق معتدل است که در آیه ۲۹ سوره مبارکه «الاسراء»، به کیفیت آن اینگونه اشاره رفته است:

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾
(الاسراء/۲۹)

«دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا

ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی»

ارکان تشبیه در این آیه شریفه عبارت است از:

مشبه: لا تجعل يدك

مشبه به: مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط، بخیل بودن و خسیس بودن یا

اسرافکار بودن در بذل و بخشش

وجه شبه: فتعقد ملوما محسورا، باعث ندامت، خانه نشینی، حسرت

ادات تشبیه و مشبه به حذف شده است.

نوع تشبیه: بلیغ، ادات تشبیه حذف شده است.

دو طرف تشبیه در آیه حسی است - دو طرف تشبیه مطلق هستند - تشبیه مرکب -

مشبه و مشبه به آن متعدد است همچنین تشبیه مفروق است و هر مشبه با مشبه به خودش آورده می‌شود.

هدف و اغراض تشبیه: تنبه و توجه و بیدار شدن و تخویف است یعنی هدفش این

است که هشدار دهد که نه افراط و نه تفریط، نه اسراف و نه تبذیر در هیچ کاری حتی کارهای خوب و پسندیده، مانند انفاق صحیح نیست.

این آیه یک تمثیل مرکب و مثالی برای نبخشیدن شخص آزمند و بخشش شخص

اسرافکار است؛ این آیه به مؤمنان فرمان می‌دهد که بین خساست و تنگ گرفتن و اسراف و تبذیر راه میانه انتخاب کنید.

«این تمثیل کنایه لطیفی است از اینکه دست دهنده داشته باش و همچون بخیلان که گویی دست‌های‌شان به گردنشان غل و زنجیر بسته‌اند و قادر به کمک و انفاق نیستند، مباش، و از سویی دیگر دست خود را فوق العاده گشاده مدار و بذل و بخشش بی حساب مکن که سبب می‌شود از کار خود غافل شوی و مورد ملامت این و آن قرار می‌گیری و از مردم جدا می‌شوی» «ولا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۸۴۱).

همانگونه که «بسته بودن دست به گردن کنایه از بخل گشودن دست‌ها به طور کامل کنایه از بذل و بخشش بی حساب است» و «تقعد» که از ماده «قعود» به معنی نشستن است کنایه از توقف و از کار افتادن می‌باشد. تعبیر به ملوم، اشاره به این است که گاه بذل و بخشش زیاد نه تنها انسان را از فعالیت و ضروریات زندگی باز می‌دارد، بلکه زبان ملامت مردم را بر او می‌گشاید.

«محسور» از ماده حسر بر وزن قصر به معنی کنار زدن لباس و برهنه ساختن زیر آن است به همین جهت «حاسر» به جنگجویی می‌گویند که زره در تن و کلاه خود نداشته باشد. همچنین به هر شخص خسته و وامانده که از به مقصد رسیدن عاجز است و تمام نیرو توان خود از دست داده «حسیر یا حاسر» گفته می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۲: ۹۱-۹۲). در مورد مسأله انفاق و بخشش اگر از حد بگذرد و تمام توان و نیروی انسان جذب آن گردد، طبیعی است که انسان از ادامه کار و فعالیت و سامان دادن به زندگی خود باز می‌ماند. در تفسیر «المیزان» آمده است: دست به گردن کنایه از امساک و خرج نکردن و از بخشش بخل ورزیدن است و در مقابل بسط ید، کنایه از بذل و بخشش کردن است و اینکه هرچه به دستش آید، از دست خود فرو بریزد؛ به طوری که هیچ چیز از آن در دستش باقی نماند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳).

در تفسیر «کشف الاسرار» ذیل این آیه آمده است که سبب نزول این آیه آن است که رسول خدا در جمع یاران نشسته بود که کودکی آمد و گفت مادر من از تو پیراهنی می‌خواهد و به نزد پیامبر هیچ پیراهنی نبود مگر آنچه پوشیده بود پیامبر به او گفت برو زمانی دیگر بیا، کودک رفت ولی مادر دوباره او را فرستاد و گفت مادرم آن پیراهن که پوشیده‌ای می‌خواهد. رسول خدا در خانه شد پیراهن برکشید و عریان نشست. وقت نماز

فرا رسید و یاران پیامبر همه منتظر او ولی پیامبر به همان علت به مسجد نیامد و زبان کفار و منافقین درباره پیامبر باز شد. که در آن حال جبرئیل آمد و این آیه را نازل کرد و پیامبر را از این نوع اتفاق نهی کرد و از او خواست حالت اعتدال و میانه روی را در انفاق برگزیند و نه اسراف کند و نه تبذیر و تبخیل (میبیدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵: ۵۴۶).

چنانچه در این آیه می‌فرماید: ﴿لَمِيسِرْفُواوَلْمِيفْتِرُواوَكَانَ بَيْنَ ذَلِكُ قَوْمًا﴾ (الفرقان/۷) و این دلیل و راهنمایی است در انفاق در اقتصاد رفتن نیکوتر است. توانگر بر قدر توانگری و درویش بر قدر درویشی و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ﴾ (الطلاق/۷).

نتیجه بحث

امثال و حکم در قرآن کریم، حاوی آموزه‌های اخلاقی و پندهای فردی و اجتماعی است و به جهت مشخصه‌های خاص خود، بسیار تأثیرگذارتر از کلام عادی عمل می‌کند. لذا بخش قابل توجهی از آیات قرآن به امثال قرآنی اختصاص یافته است. قرآن به منظور هدایت بشر و تأمین سعادت او، برخی از پیام‌های والای خود را با زبان تمثیل بیان نموده تا همگان بتوانند آن را درک کنند. استفاده از زبان تمثیل، برای فهم بهتر امور غیر عینی در قالب بیان عینیات و ملموسات است. لذا قرآن با استفاده از تمثیلات، تنوع را به خطاب‌ها بخشیده و آن را از حالت خشک و بی‌روح خارج ساخته است. از جمله موارد استفاده از تشبیهات تمثیلی در قرآن کریم، مقوله انفاق است که در قرآن به سه صورت تشبیه مثبت انفاق خالص، تشبیه منفی انفاق ریاکارانه و مدح انفاق معتدل عنوان گردیده است که در حالت‌های ممدوح، عاملی جهت تشویق و در حالت مذموم، عاملی جهت ترک محسوب می‌گردد. قرآن با این تمثیلات در نظر دارد که عقول انسان‌ها را از محسوسات و تخیلات به سوی درک معقولات و حقایق هدایت نماید.

کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه محمد فولادوند.

- زمخشری، محمود بن عمر. ۱۴۰۸ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت: دار الكتاب العربی.
طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴ش، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جمعه مدرسین حوزه علمیه قم.
محلی، محمد بن احمد. ۱۴۱۶ق، *تفسیر الجلالین*، تحقیق جلال الدین سیوطی، بیروت: مؤسسه النور.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۱ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
الهاشمی، احمد. ۱۳۸۰ش، *جواهر البلاغه*، تهران: فیض.

مقالات

- فارسی، بهنام و سارا مؤمنی. ۱۳۹۵ش، «زیبایی‌شناسی کارکرد «آب و باد» در تشبیهات تمثیلی قرآن با تکیه بر نظریه بافت زبانی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۴، شماره ۴، زمستان.
کمالی بانسانی، مجیدرضا و محمدرضا کمالی بانسانی و مهدی رضا کمالی بانسانی و مهدی خزاعی. ۱۳۹۳ش، «واکاوی بیان شیوه‌های تمثیلی در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال ۵، شماره ۱۸، تابستان، صص ۱۵۲-۱۳۷.
نصیری، روح الله. «کارکردها و ویژگی‌های صنعت بلاغی تشبیه تمثیلی در قرآن کریم». پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۲، شماره ۱، صص ۳۹-۵۳.

Bibliography

- The Holy Quran. Translated by Mohammad Fooladvand.
Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. 1408 AH, *Al-Kashaf An Haqeeq Ghawamez Al-Tanzil*, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1995, *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Qom: Qom Seminary Teachers Association
Mahali, Muhammad ibn Ahmad. 1416 AH, *Tafsir al-Jalalin*, research by Jalal al-Din Siyuti, Beirut: Al-Noor Foundation.
Makarem Shirazi, Nasser. 1992, *Sample Interpretation*, Tehran: Dar Al-Kotob Islami.
Al-Hashemi, Ahmad 2001, *Jawahar al-Balaghah*, Tehran: Faiz.

Articles

- Farsi, Behnam and Sara Momeni. 2016, "Aesthetics of the function of" water and wind "in allegorical similes of the Qur'an based on the theory of linguistic context", *Quarterly Journal of Literary-Quranic Research*, Fourth Year, Fourth Issue, Winter.
Kamali Baniani, Majid Reza and Mohammad Reza Kamali Baniani and Mehdi Reza Kamali Baniani and Mehdi Khazaei. 2014, "Analysis of the expression of allegorical methods in the Holy Quran", *Quarterly Journal of Quranic Studies*, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Fifth Year, No. 18, Summer, pp. 152-137.
Nasiri, Ruhollah "Functions and characteristics of the rhetorical industry of allegorical simile in the Holy Quran", *Quranic Linguistic Research*, Second Year, First Issue, pp. 39-53.

Quarterly Journal of Quranic Studies, Twelfth Year, No. 47, Fall 2021, pp. 467-482

The position of allegorical similes in the Holy Quran (Case study: allegorical similes on the subject of charity)

Date of Received: March 17, 2019

Date of Acceptance: July 10, 2020

Abdolrahim Zareian Jahromi

PhD student, Islamic Azad University of Fasa, theology, Quran and Hadith.
a.zareian1340@gmail.com

Safdar Shaker

Assistant Professor of Islamic Azad University of Fasa, Department of Arabic Language and Literature. yaserak1099@yahoo.com

Ebrahim Zareifar

Assistant Professor, Islamic Azad University of Fasa, Department of Arabic Language and Literature. zareifar@yahoo.com

Corresponding author: Safdar Shaker

Abstract

One of the important tools that can be used to convey concepts and content more accurately and quickly to people's minds is the use of proverbs, similes, and allegories and so on. The Holy Qur'an has used tools such as examples and allegorical metaphors to express guiding messages in a rhetorical and conceptual format. One of the best ways in which the Qur'an can explain rational teachings and spiritual concepts to people is by simile and allegory; Because through similes and allegories, facts are brought to mind in simple and fluent language. There are about 500 verses in the Holy Quran that have similes, allegories, allusions, metaphors and allegorical similes. This article intends to study and analyze the allegorical similes of the Holy Quran in the category of charity by adopting a descriptive-analytical method, after explaining the concept of allegorical simile and its Quranic function.

Keywords: semantics, rhetoric, allegorical simile, charity, expressive miracle.